

مقاله علمی پژوهشی

قانون حاکم بر تعیین ارز قرارداد در داوری تجاری بین‌المللی

الهه اخباری^۱، حسین قربانیان^{۲*}، عبدالرحیم مرادی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، شاهرود، ایران

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲)

The Law Governing Determination of the Contract Currency in International Commercial Arbitration

Elahe Akhbari¹, Hosseion Ghorbanian^{2*}, Abdolrahim Moradi³

1. Ph.D. Student of Private Law, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran
2. Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Shahroud, Iran
3. Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

(Received: 31/Dec/2020 Accepted: 23/May/2022)

Abstract

Determining the currency of contracts is one of the most important issues in international trade agreements which can be a guarantee for the enforcement of obligations between the parties. The determination of currency in international relations is affected by several relations, such as legal, political, economic and etc., so having sufficient knowledge in each of these areas is essential to determine the currency of the contract. In this research, an attempt has been made to examine the legal aspects in order to determine the law governing the contract currency more than other aspects and In the meantime, the question that may arise is that in case of non-determination of the currency of the contract, what will be the criterion for determining the law governing determination of the currency in litigation in international commercial arbitration, including the issue of compensation? Therefore, in this study, an attempt has been made to examine the various dimensions of determining the currency, the conditions for not determining it, the current arbitration awards and related issues and finally, a solution has been proposed.

Key Words: Contract Currency, Governing Law, International Trade Agreements, International Commercial Arbitration.

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تعیین ارز قرارداد بوده که به نوبه خود می‌تواند تضمینی برای اجرای تعهدات فی‌مابین طرفین باشد. تعیین ارز در مراودات بین‌المللی متأثر از مناسبات متعدد حقوقی، سیاسی، اقتصادی و... بوده است. بنابراین، داشتن دانش کافی در هر یک از این حوزه‌ها برای تعیین ارز قرارداد ضروری می‌نماید. در این پژوهش سعی در بررسی ابعاد حقوقی از جهت تعیین قانون حاکم بر ارز قرارداد بیش از سایر جنبه‌ها شده و در این میان، سؤالی که پیش می‌آید این است که در شرایط عدم تعیین ارز قرارداد، ملاک تعیین قانون حاکم بر تعیین ارز در دعاوی داوری تجاری بین‌المللی از جمله مسئله جبران خسارت چیست؟ بنابراین، در این پژوهش سعی در بررسی ابعاد مختلف تعیین ارز، شرایط عدم تعیین آن، آرای داوری فعلی و موضوعات مرتبط شده و در نهایت نسبت به ارائه راهکار اقدام شده است.

کلیدواژه‌ها: ارز قرارداد، قانون حاکم، قراردادهای تجاری بین‌المللی، داوری تجاری بین‌المللی.

مقدمه

حاکمیت اراده یکی از اصول کلیدی پذیرفته‌شده در قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی بوده که دامنه آن علاوه بر توافق طرفین، موضوع ارجاع حل و فصل اختلافات به داوری به جای محاکم دادگستری را نیز در بر می‌گیرد. در این میان از جمله معیارهای مهم قراردادی، موضوع تعیین ارزش قرارداد جهت اجرای تعهدات مالی و نیز پرداخت خسارت در شرایط بروز دعاوی مربوط است. تعیین ارزش قرارداد و شیوه پرداخت در معاملات تجاری بین‌المللی علاوه بر امکان تأثیرپذیری از محدودیت‌های قانونی در داخل هر کشور، به شدت با مسئله تضاد منافع کشورها گره خورده؛ به این معنا که گاهی عواملی فراتر از حاکمیت اراده افراد و معادلات داخلی کشورها می‌توانند در این قبیل تصمیم‌گیری‌ها مؤثر باشند و در راستای فراهم آمدن امکان پرداخت و اجرای تعهدات، اراده طرفین قرارداد را محدود کنند. مسائلی همچون جنگ، بحران‌های اقتصادی، افزایش و کاهش نرخ ارز از جمله موارد قابل توجه در موضوع تعیین ارزش قرارداد و داوری هستند.

اهمیت دیگر تعیین ارزش در قراردادهای بین‌المللی این است که در این قبیل توافقات با حداقل دو نظام ملی و از طرفی نیز مقررات بین‌المللی مواجه هستیم که هر یک به نوبه خود می‌توانند تأثیرگذار باشند و عدم تعیین آن می‌تواند موجب تحمیل ارزش به خصوصی شود که ممکن است مورد خواست طرفین قرارداد نباشد. همچنین همواره این احتمال وجود دارد که طرفین قرارداد تجاری بین‌المللی در خصوص ارزش قرارداد و داوری سکوت کرده و یا ضوابطی برای تعیین آن نیز مقرر نکرده باشند و یا اینکه ارزش تعیین شده با ارزش محل پرداخت مغایرت داشته باشد. بنابراین، با عنایت به مطالب پیش‌گفته، متغیرهای پیش روی این بررسی، ارزش قرارداد و قانون حاکم بر آن بوده و هدف از این پژوهش، ضمن بررسی جوانب قانون حاکم بر تعیین ارزش قرارداد، پاسخ به سؤال تعیین قانون حاکم بر تعیین ارزش داوری در زمان بروز اختلافات مالی و در شرایط سکوت طرفین و یا عدم صراحت قراردادی، در راستای حل معضلات موجود در این عرصه به عنوان ضرورت مطرح در معاملات تجاری بین‌المللی است.

حاکمیت اراده و تعیین قانون حاکم

در حقوق ایران اراده اعم از قصد انشا بوده و به معنی حرکت نفس به طرف کاری معین پس از تصور و تصدیق منفعت آن است. (جعفری لنگه‌رودی، ۱۳۶۸: ۲۴) اراده در اصطلاح حقوق

ایران در شرط روانی معامله یا ایقاع به معنای خواستن است و براساس بند ۱ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، به دو حالت درونی «رضا» و «قصد انشا» تفکیک شده است که گاه مجموع قصد و رضا و گاه منحصر به قصد انشا است. (شهیدی، ۱۳۸۲: ۵۵) اصل حاکمیت اراده در حقوق تعهدات غربی را می‌توان به طور خلاصه این‌گونه صورت‌بندی کرد: «طرفین دارای اهلیت، در انعقاد عقد آزادند و می‌توانند هر نوع تعهدی را که بخواهند در مقابل یکدیگر قبول نمایند. این آزادی تنها توسط قانون (نظم عمومی یا اخلاق حسنه) مقید خواهد بود؛ قانون خود برآمده از اراده افراد در سطحی بالاتر است. اخلاق نیز مقوله‌ای ناشی از اراده افراد در سطح جامعه و عرف بوده و مقوله‌ای نسبی است. به عبارت دیگر، افراد برای ایجاد تعهد به هر نحوی که خود بخواهند آزادی مطلق دارند، مگر آنکه قانون فرم خاصی را لازم بشمرد یا موضوع تعهد خلاف قانون باشد. تعهد در واقع صورت ابراز‌شده اراده است؛ تعهد قدرت الزام و اقتدار خود را از اراده می‌گیرد» (Larombière, 1862: 23)، اما قانون نیز در واقع همان حاکمیت اراده در سطحی بالاتر است که افراد جامعه در جعل آن مداخله داشته و پذیرفته‌اند تا ذیل آن قرار گیرند. (بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۲۸) در این میان، متحدالشکلی نبودن مقررات نظام‌های حقوقی ملی می‌تواند موجب شود که یک قرارداد واحد در نظام‌های حقوقی مختلف منجر به حقوق، تعهدات و نتایج متفاوتی شود. به علاوه تجار بین‌المللی نیز تمایل شدیدی به مشخص کردن حقوق و تعهدات قراردادی خود به طور مطمئن دارند. بنابراین، انتخاب قانون حاکم بر قرارداد به طرفین این امکان را می‌دهد که ضمن پیش‌بینی آثار قرارداد به نحو مطمئن‌تر، از بروز نتایج نامطلوب و غیرقابل انتظار نیز اجتناب شود. در این راستا اصل آزادی قراردادی به عنوان یک قاعده مبنایی مورد قبول بیشتر نظام‌های ملی بوده (شیروی، ۱۳۹۰: ۱۴۹) و از حیث انتخاب قانون حاکم مورد شناسایی وسیع قرار گرفته است؛ به عنوان مثال ماده ۵ بیانیه الجزایر بین ایران و ایالات متحده در سال ۱۳۶۱ که به موجب ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون است، در مورد قانون حاکم بر قرارداد از مندرجات قرارداد نام برده است. به علاوه قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ نیز به صراحت در بند ۱ ماده ۲۷ اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون قابل اعمال را پذیرفته است و در بند الف ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی هم به انتخاب قانون حاکم از سوی طرفین اعتبار داده است. لازم به ذکر است که به موجب قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک در

کافی داوری در محل داوری) و نیز قانون شکلی خاص مورد اشاره در چارچوب شرط داوری که مورد تمایل طرفین برای حکومت بر روابط آنهاست، برخی از فاکتورهای مورد استناد هیأت داوری در این خصوص هستند. لازم به توضیح است که در مورد اخیر، طرفین توجه دارند که این انتخاب نمی‌تواند به جای انتخاب قانون ماهوی باشد. روی هم رفته به‌رغم مورد عنایت بودن این تفکر در داوری‌های بین‌المللی، محاکم قضایی به طور قهری اعمال قانون ماهوی محل داوری را بر داوری‌های بین‌المللی تحمیل نمی‌کنند.^۲ (امیرمعزی، ۱۳۹۰: ۳۹۹-۳۹۸) با تفاسیر فوق در راستای موضوع انتخاب ضمنی، فاکتورهای متعددی چون محل داوری، معیار قانون آیین دادرسی، زبان و واحد پولی (ارز قراردادی) مطرح می‌شوند که در این مقال به بررسی معیار اخیر می‌پردازیم.

تعیین واحد پولی در معاملات تجاری بین‌المللی

تعیین ارز در تجارت بین‌المللی، پیامدهای مهمی در سطوح خرد و کلان اقتصادی به همراه دارد. در سطح نگاه اقتصادی، حداکثر سود شرکت‌های مشغول به فعالیت در تجارت بین‌المللی تحت تأثیر انتخاب ارز آنها قرار گرفته است، در حالی که در سطح کلان، ارز تعیین شده در تجارت بین‌المللی بر ارتباطات چرخه تجارت بین کشورها و مکانیسم انتقال سیاست پولی تأثیر می‌گذارد. (Kamps, 2006: 5) در پاسخ به این سؤال که صادرکنندگان بر اساس کدام ارز باید قیمت کالاهای خود را صورت‌حساب کنند، می‌توان گفت که شرکت صادرکننده در فروش به بازار خارجی سه گزینه دارد که در این راستا می‌توان به معامله به ارزش خود (قیمت‌گذاری ارزی تولیدکننده)^۳، به ارز کشور مقصد (قیمت‌گذاری ارز محلی)^۴، به یک ارز سوم (قیمت‌گذاری ارز حامل)^۵ و یا ترکیب این موارد اشاره کرد. (Goldberg, 2005: 3) همچنین در صورتی که در کشوری رواج اجباری پول مقرر نشده باشد، طرفین قرارداد می‌توانند در آن شرط کنند که پرداخت با پول خارجی صورت گیرد. باید توجه داشت که اعطای وصف رواج قانونی به پول کشور، اصل آزادی اراده در عقود را سلب نمی‌کند؛ چرا که

سال ۱۳۸۰، مفاد آن در حکم قانون جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است. (الماسی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۶: ۴) از جمله دیگر نمونه‌ها، ماده ۳۳ قواعد داوری آنسیترال و مذاکرات طولانی هنگام تدوین قانون نمونه داوری به عنوان یکی از اصول بلامنازع^۱ است که وارد ماده ۲۸ این قانون نیز شده است. همچنین کنوانسیون رم هم در جهت شناسایی استقلال و حاکمیت اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم در ۱۹ جون ۱۹۸۰ گامی دیگر برداشت. بنابراین، اگر چه این تفکر قبلاً در ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۶۱ ژنو و ماده ۴۲ کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن هم راه یافته بود، اما در حال حاضر بیان اصل استقلال طرفین و حق انتخاب قانون حاکم امری ساده و پیش پا افتاده به نظر می‌رسد که به طرفین اجازه می‌دهد تا روابط حقوقی را در عالم تجارت تحت نظم قانون یا قواعد حقوقی متعلق به کشور معین یا تحت حاکمیت قانون فراملی قرار دهند. (امیر معزی، ۱۳۹۰: ۳۹۷-۳۹۵) همچنین باید توجه داشت که به‌رغم ماهیت قراردادی رابطه بین طرفین و داوران و محدود بودن اختیار داوران به موارد اجازه داده شده از سوی طرفین، برخلاف نظریه قراردادی حدود اختیار داوران مشروط به بررسی دقیق قواعد آمره قانون محل داوری و نظم عمومی دولت اجراکننده رأی است. (مافی و تقی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۹۶-۱۹۵) از سوی دیگر، شرایط یک قرارداد، تعهدات مورد توافق طرفین و کلیه شروط ضمن یک قرارداد تعریف می‌شوند (Onyema, 2010: 118) و شروط ضمنی عبارت از مواردی است که صریحاً توسط طرفین مورد توافق قرار نگرفته، اما دادگاه‌ها یا به دلیل وضع در قانون (ضمنی به موجب قانون) یا به دلیل ضرورت وجود آنها به جهت مفروض بودن در قصد طرفین (ضمنی در واقع) بخشی از روابط قراردادی فرض می‌کنند. (Turner, 2014: 108-109) کورتیوس که از آخرین نمایندگان مکتب ایتالیایی است، اولین بار به اختیار طرفین در تعیین قانون حاکم به طور ضمنی اشاره می‌نماید. (پروین و اکبری رودپشتی، ۱۳۹۶: ۴۴) گاهی متعاقدين تحت اوضاع و احوال مشخص از بیان صریح انتخاب قانون طرفه می‌روند. در این قبیل وضعیت‌ها، داورها با استناد به برخی از فاکتورها به این نتیجه می‌رسند که طرفین به طور تلویحی قانون حاکم را معین کرده‌اند. محل داوری (در صورت جامع بودن قواعد داوری محل و انجام منظم و منطقی و با حمایت

۲. به عبارت دیگر محاکم قضایی غالباً تابع ضرب‌المثل "Qui eligit judicem eligit jus" به معنی انتخاب صریح دادگاه یک انتخاب ضمنی قانون مناسب است، هستند.

3. PCP (producer's currency pricing)

4. LCP (local currency pricing)

5. VCP (vehicle currency pricing)

1. Point de depart

کاهش ارزش دلار و ایجاد بحران‌های مالی سال ۲۰۰۷، نمونه‌ای از زیان اقتصادی ناشی از واسطه مبادله بودن دلار در تجارت بین‌المللی است. بر این اساس، کشورها اقدامات اقتصادی متفاوتی را در حوزه پدافند غیر عامل^۱، اتخاذ کرده‌اند که این روش‌ها ضمن مصون‌سازی اقتصاد از آثار زیان‌بار سیاسی و اقتصادی دلار، موجب تسهیل در امر تجارت بین‌المللی می‌شود. از جمله این روش‌ها می‌توان به تشکیل منطقه یا بلوک بهینه پولی، تشکیل پول واحد منطقه‌ای مثل یورو، انعقاد پیمان‌های پولی و ارزی دوجانبه یا چندجانبه بین کشورهای مختلف اشاره کرد. (قوامی، ۱۳۹۴: ۱۴۳-۱۴۲)

مقررات ارزی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از ارز پرداختی یاد نشده است، ولی با توجه به ماده ۵۳ این کنوانسیون که مقرر می‌دارد: «خریدار باید به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون پیش‌بینی شده است، ثمن را بپردازد و کالا را قبض کند» و همچنین با توجه به بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون که مقرر می‌دارد: «مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آنها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده است، بر طبق اصول کلی که کنوانسیون مبتنی بر آنهاست یا در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است، حل و فصل خواهند شد»، هنگامی که بر یک ارز مشخص توافق حاصل شود، این ارز پول قابل پرداخت قرارداد است و کلیه پرداخت‌هایی که باید بر طبق قرارداد صورت پذیرد، همچنین خسارات و منافع با همین ارز خواهد بود، مگر اینکه به نحو دیگری توافق شده باشد. (ماسکو، ۱۳۷۴: ۲۵۵) در حقوق کشورهای مختلف نیز طرفین آزادی کامل دارند که در قراردادهای بین‌المللی، نوع پول پرداخت را به عنوان ثمن مشخص نمایند، برخلاف قراردادهای داخلی که در آنها تلاش اغلب کشورها این است که با رواج اجباری پول رسمی، از بی اعتباری پول ملی و سلب اعتماد از خزانه عمومی کشور جلوگیری کنند. به عنوان مثال، در قانون تجارت سابق فرانسه

قانون رواج قانونی پول کشور از قواعد نظم عمومی نبوده مگر اینکه اجباری در آن پیش‌بینی شده باشد که در این صورت شرط پول خارجی شرط خلاف قانون بوده و باطل است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۹: ۷۱۱-۷۱۰) به عنوان نمونه، در ضمیمه «ب» قانون داوری تجاری بین‌المللی سوئیس در بند ۲۶ بخش جدول هزینه‌ها مقرر شده است: «مبالغی که به ارزیابی غیر از فرانک سوئیس هستند، به نرخ قابل اعمال در تاریخ وصول اخطار داوری توسط دبیرخانه یا در زمان ثبت هر ادعای جدید یا دعوای متقابل و یا دفاع متقابل و نیز در زمان اصلاح دعوا یا دفاع تبدیل می‌شوند».

باید توجه داشت که تمرکز اصلی در تعیین ارز در تجارت بین‌الملل در درجه اول بر هزینه‌های معاملات و ثبات و جذابیت ارزهای اصلی است. پیشتر در سال ۱۹۶۸، سوویودا ثابت کرد که دلار آمریکا می‌تواند یک ارز حامل محسوب شود؛ چرا که در تجارت حتی اگر ایالات متحده نیز درگیر آن نباشد، می‌تواند به عنوان ارز حامل تعیین شود. وی همچنین استدلال کرد که ارزهای بسیار نقد با هزینه معاملات پایین به عنوان واسطه مبادله انتخاب می‌شوند. به همان روش مک کینون در سال ۱۹۷۹ استدلال می‌کند که کالاهای همگن و کالاهای اولیه احتمالاً در یک واحد پول حامل با هزینه‌های معاملاتی کم، صورت‌حساب می‌شوند و تعیین قیمت این کالاها به یک ارز باعث مقایسه بین‌المللی این قیمت‌ها و شفافیت بازار می‌شود. همچنین وی بیان می‌دارد که مزیت ارز حامل مانند دلار آمریکا، به دلیل سابقه طولانی و آشنایی آن است. در این راستا، استدلال‌های مشابهی را می‌توان در ماژ و راثو در ۱۹۸۰ یافت. آنها بین ارزهای قوی و ضعیف بر اساس تورم کم و زیاد تمایز قائل می‌شوند. به این معنا که در تجارت بین تورم کم کشورهای صنعتی و تورم بالای کشورهای در حال توسعه، نرخ تورم پایین کشور صنعتی حاکم است. از طرف دیگر، حتی برای معامله محصولات اولیه نیز ارز حامل مطلوب به نظر می‌رسد. (Kamps, 2006: 9) در این میان گفتنی است که استفاده از یک پول واحد مثل دلار، از یک سو برای مبادلات بین‌المللی می‌تواند مزیت باشد؛ به این صورت که مبادلات را تسهیل کرده و به عنوان یک وسیله پرداخت مورد قبول جهانی و واسطه مبادله قرار گیرد و از سوی دیگر، استفاده از آن در مبادلات بین‌المللی می‌تواند زیان اقتصادی و آسیب سیاسی برای دیگر کشورهایی که از واحد پول جهانی استفاده می‌کنند، وارد سازد. به عنوان مثال، تحریم‌های اقتصادی آمریکا نمونه‌هایی از زیان اقتصادی از بعد سیاسی و

۱. پدافند غیر عامل عبارت است از: مجموعه اقدام‌های غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدام‌های دشمن می‌شود.

حاکم بر پرداخت‌های داخلی بین اتباع در داخل کشور است و در معاملات و تعهدات بین‌المللی، مصالح دولت‌ها و جوامع اقتضا می‌کند که برعکس پرداخت‌های داخلی، هرگونه شرط را برای ایفای تعهدات با پولی غیر از پول رایج کشور خود امکان‌پذیر بدانند؛ چرا که پرداخت‌های خارجی یکی از مصادیق بارز استثنای مقرر در بند ج ماده ۱ قانون بانکی و پولی ایران است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۲۳۷) در این میان گرچه قانون پولی و بانکی ایران نسبت به قانون تجارت مؤخرالتصویب است، لیکن با توجه به استثنای پیش‌بینی‌شده در بند ج ماده ۱ قانون پولی و بانکی کشور، به نظر می‌رسد که مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ قانون تجارت نسخ نشده و به قوت خود باقی هستند. هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۹۰-۱۳۵۳/۱۰/۴ خود با این توضیح که «... پرداخت وجه برات با پول خارجی بنا به مدلول ماده ۲۵۲ قانون تجارت تجویز شده است و مطابق قسمت آخر بند ج ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور پرداخت تعهدات به ارز با رعایت مقررات ارزی مجاز می‌باشد...» نظر فوق را تأیید کرده است. (دمیرچیلی، ۱۳۸۲: ۴۰) روی هم‌رفته با افزایش داوری بین‌المللی، پرداخت به ارزهای خارجی نیز به طور فزاینده‌ای افزایش یافته و دادگاه‌های داوری بین‌المللی نه تنها می‌توانند پرداختی‌ها را به ارز کشور خارجی که در آن مستقر هستند، تعیین نمایند، بلکه می‌توانند به ارزی غیر از آن هم صادر نمایند؛ چرا که دادگاه‌های داوری در راستای اتخاذ راه‌حل‌های متناسب با شرایط خاص هر مورد، مجاز به تعیین بها به ارزهای متضمن تعهدات هستند. صلاحیت داوری برای پرداخت بها به ارز خارجی مناسب، یکی از ویژگی‌های جذاب داوری است و از ایجاد مشکلات ناشی از تبدیل ارزهای خارجی به ارز محل رسیدگی (که اقدام غالب دادگاه‌های ملی است)، جلوگیری می‌کند. (Smit, 1996: 2)

چالش تعیین ارز در پرونده داوری تجاری بین‌المللی

دادگاه تجدیدنظر در پرونده اداره توسعه ارتفاعات لسوتو در برابر ایمپرگیلو در سال ۲۰۰۳ (Sheppar, 2003) مقرر کرد که چنانچه مقر داوری انگلستان باشد، موضوعات مربوط به ارز آرای مالی و اعطای بهره در درجه اول ماهوی بوده و قانون مناسب در رابطه طرفین، حاکم است، لیکن فقدان قانون ماهوی حاکم اعم از مقررات قراردادی یا قانونی در چنین مواردی، محکمه داوری را واجد صلاحیت می‌دارد که طبق آنچه در قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶ (مواد ۴۸ و ۴۹)

پیش‌بینی شده بود که پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده انجام شود، لیکن قانون‌گذار متعاقباً مبادرت به حذف آن کرد. گفتنی است که در زمان حاکمیت آن قانون هم برخی از حقوقدان‌های این کشور در راستای حمایت از رواج پول داخلی، مفاد قانون را ناظر به پول‌های داخل می‌دانستند. (Ripert, 1957: 57) در حقوق انگلیس در قراردادهای داخلی شرط پرداخت به طلا^۱ امکان‌پذیر است، ولی متعهد مجبور نیست که برای اجرای تعهد، طلا به ذی‌نفع بدهد و می‌تواند معادل آن پول رایج پرداخت کند. (Chitty, 1983: 1432) بر اساس معاهده منعقد در حقوق اتحادیه اروپا نیز یک سیستم بانکی مرکزی برای تمامی اتحادیه تأسیس و واحد پولی یکسان (یورو) تصویب شده و به مرحله اجرا درآمد. هر چند کشور انگلیس به موجب پروتکل جداگانه‌ای که ضمیمه معاهده اروپا گردید، آن را نپذیرفته و این حق را برای خود محفوظ داشته است که هرگاه قصد حرکت و پیوستن به مرحله نهایی اتحاد اقتصادی و پولی را داشته باشد، آن را به اطلاع شورای وزیران برساند. (مکین، ۱۳۸۰: ۳۱) ماده ۱۷۴۹ قانون مدنی ایتوبی نیز پرداخت هرگونه دین و بدهی را فقط به پول رایج کشور امکان‌پذیر دانسته است، مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور بین متعهد و ذینفع به ترتیب دیگری توافق شده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۹: ۲۳۷) در حقوق ایران ماده ۲۵۲ قانون تجارت با توجه به مفاد ماده ۲۵۳ این قانون، در مقام بیان موردی است که پول منعکس در برات پول خارجی است و قانونگذار تأکید می‌کند که برات در صورتی که به پول خارجی باشد، باید به همان پول خارجی نیز پرداخت شود. به همین دلیل در ماده ۲۵۳ قانون تجارت تکلیف شده است که اگر دارنده برات به برات‌دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده (ظهنویس)، پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است، بدهد در صورت نکول، از سایر طرفین فقط می‌تواند نوع پولی را که در برات معین شده است، مطالبه کند. (اسکینی، ۱۳۷۳: ۱۲۴) از طرف دیگر، بند ج ماده ۱ قانون بانکی و پولی ایران مصوب ۵۱/۴/۱۸، رواج اجباری پول در ایران را پیش‌بینی کرده و مقرر می‌دارد: «تعهد پرداخت هرگونه دین یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام پذیر است، مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور، ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد». (امینی، ۱۳۹۲: ۳۲) البته مورد اخیر

1. Gold Clauses

تعیین شده است، رای بدهد.

جریان پرونده از این قرار بود که اختلافی بین اداره توسعه کوهستانی لسوتو^۱ و هفت پیمانکار خارجی در رابطه با ساخت سد کستل^۲ در لسوتو ایجاد شد. قانون حاکم بر قرارداد، قانون لسوتو و محل داوری نیز لندن بود. پیمانکاران در اثنای بازرگانی بین‌المللی روند داوری را با ادعای مطالبه مبلغ بیشتر آغاز کردند و داوران در رأی صادره، خود را واجد صلاحیت برای تعیین نوع ارزش جهت اجرای مفاد رأی و پرداخت نرخ بهره از سوی اداره توسعه کوهستانی لسوتو تشخیص دادند. این در حالی بود که اداره توسعه کوهستانی لسوتو با ادعای تعیین هر دو مورد در قرارداد طرفین یا در قانون لسوتو، رأی داوری را به جهت تخطی داوران از اختیار اعطایی و خروج از قرارداد به چالش کشید (ماده ۶۸ قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶) و دادگاه عالی نیز تخطی داوران از اختیار اعطایی را مقرون به واقع تشخیص داد. بنابراین، پرونده را برای بررسی مجدد نزد آنها ارجاع داد که این امر نیز مورد تجدیدنظرخواهی پیمانکاران قرار گرفت.

گفتنی است به موجب ماده ۴۸ قانون داوری ۱۹۹۶ مقرر شده است که دیوان داوری جز در موارد توافق طرفین، می‌تواند پرداخت مبلغ را به هر ارزی تعیین کند و توافق طرفین در رابطه با پرداخت‌های پیمانکاری نیز از این قرار بود که ۵۸.۳۵ درصد قابل پرداخت به مالوتی (واحد پول لسوتو) یا رند آفریقای جنوبی، ۶۰.۹۶ درصد به مارک آلمان، ۱۳.۳۸ درصد به فرانک فرانسه، ۱۰.۹۷ درصد به لیر ایتالیایی و ۳.۴ درصد به پوند استرلینگ باشد، لیکن داوران مقرر داشتند که تعیین ارزی که مورد رأی داوری قرار می‌گیرد یک مورد شکلی است و صلاحیت داوران در ماده ۴۸ اعمال می‌شود (مگر خلافش ثابت شود). علاوه بر آن اگرچه طرفین ارزی که باید پرداخت بر اساس آنها صورت بگیرد را در ذیل قرارداد مشخص کرده‌اند، لیکن نسبت به تعیین ارزی که مورد رأی داوری قرار می‌گیرد، سکوت کرده‌اند. بنابراین، دیوان داوری رأی خود را به یورو و پوند استرلینگ صادر کرد.

دادگاه تجدید نظر با دیوان داوری مخالفت کرده و مقرر داشت که داوران باید قرارداد طرفین را در راستای قانون قابل اجرا (قانون لسوتو) تفسیر می‌کردند و رأی خود را نیز بر اساس ارزی که طرفین پیش‌تر بر آن توافق کرده بودند، صادر

می‌نمودند. توافق طرفین در قراردادشان مشخص بود و داورانی که در جایگاه مهندسان قرار گرفته بودند (موضوع را از زاویه دید آنها می‌دیدند) مکلف بودند که به این موضوع ترتیب اثر دهند. همچنین ماده ۴۸ در جایی که مواد قرارداد شفاف است، برای داوران قدرت مطلق ایجاد نمی‌کند که هر ارزی را که گمان می‌کنند مناسب است، انتخاب کنند. بنابراین، دادگاه با تأیید تخطی داوران از اختیارات خود، تجدیدنظرخواهی را رد کرد.

شایان توجه است که در ماده ۴۹ قانون داوری ۱۹۹۶ مقرر شده است که جز در موارد توافق طرفین، داوران می‌توانند به نرخ بهره‌ای که به نظر می‌رسد عدالت پرونده را برآورده می‌کند، رأی دهند. لیکن این ماده هیچ تأثیر دیگری در قدرت دیوان داوری در تعیین بهره نمی‌گذارد. در این پرونده نیز طرفین در خصوص نرخ بهره مربوط به مبالغ ناشی از گواهینامه‌های موقت پرداخت نشده، توافق کرده بودند، لیکن از نظر گواهی نهایی یا سایر مبالغ متعلق به آنها توافقی صورت نگرفته بود. قانون لسوتو که از قانون روم و هلند برگرفته شده است، نیز در خصوص بهره پول‌هایی که به صورت غیر قانونی از پرداختشان مضایقه شده است، مقرر می‌کند که محاسبه بهره از تاریخی که پرداخت باید مطابق قرارداد صورت گیرد، انجام می‌شود (قاعده تأخیر^۳)، اما کل بهره مورد رأی نمی‌تواند بیش از مبلغی که روی آن بهره آمده است، باشد (این قاعده^۴ به طور ساده می‌گوید مبلغ بهره نمی‌تواند از اصل بدهی بیشتر شود). با این حال داوران مقرر داشتند که حق بر تعیین بهره یک موضوع شکلی بوده که وفق ماده ۴۹ اختیارات گسترده‌ای نیز در این مورد به آنها اعطا شده است. بنابراین، دادگاه تجدید نظر با دیوان داوری مخالفت کرده و مقرر داشت در جایی که قانون حاکم بر روابط طرفین به یک حق ماهوی بر تحمیل بهره بر اساس قاعده تأخیر ارجاع می‌دهد، فضایی برای هیچ‌گونه اعمال قدرت شکلی نیست. لذا دادگاه با بیان تخطی داوران از اختیارات خود، تجدیدنظر را نقض کرده و در مورد نرخ بهره نیز اعلام داشت که در نبود توافق صریح از سوی طرفین، تصمیم‌گیری در این مورد در اختیار داوران به عنوان موضوع تحت شمول قانون مقر داوری^۵ است که البته مجمع داوری هم باید در حدود نرخ‌های مورد توافق طرفین در رابطه با عدم پرداخت

3. Ex mora
4. Duplum
5. Lex fori

1. LHDA
2. Katse

گواهی‌های موقت، رأی صادر کند.

رویکرد قانونی حاکم بر تفاوت واحد پولی توافق شده با واحد پول محل پرداخت و شرایط عدم امکان ایفای تعهد

در بند ۱ ماده ۹-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته شده است که اگر تعهد پولی به پولی غیر از واحد پول رایج در محل پرداخت تعیین شده باشد، متعهد می‌تواند ایفای تعهد خود را به واحد رایج در محل پرداخت انجام دهد. برای نمونه در قراردادی که بین یک شرکت ایرانی به عنوان خریدار و یک شرکت سوئیسی به عنوان فروشنده منعقد شده و ثمن معامله یک میلیون دلار آمریکا تعیین شده است، شرکت ایرانی می‌تواند ثمن معامله را با فرانک سوئیس پرداخت کند. البته بر این قاعده کلی دو استثنا وارد شده است: یکی اینکه اگر واحد پولی محل پرداخت آزادانه قابل تبدیل نباشد، خریدار مکلف است که ثمن معامله را با همان واحد پولی که در قرارداد پیش‌بینی شده پرداخت کند؛ مثلاً در این مورد اگر فرانک سوئیس آزادانه بر طبق مقررات آن کشور قابل تبدیل نباشد، خریدار ایرانی مکلف است که ثمن معامله را به دلار آمریکا پرداخت کند. دوم اینکه اگر در ضمن قرارداد طرفین توافق کرده باشند که ثمن فقط به واحد پولی که در قرارداد مشخص گردیده است پرداخت شود، در این صورت نیز متعهد مکلف است ثمن معامله را به واحد پولی که در آن قرارداد تعیین شده است، پرداخت کند. در مثال فوق چنانچه طرفین قرارداد توافق نمایند که ثمن صرفاً به واحد پول تعیین شده در قرارداد (دلار آمریکا) پرداخت شود، خریدار ایرانی مکلف به رعایت آن خواهد بود. همچنین بند ۲ ماده ۹-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد، چنانچه پرداخت به واحد پولی مورد تعهد برای متعهد امکان‌پذیر نباشد، ذینفع می‌تواند پرداخت به واحد پولی محل پرداخت را درخواست کند و این امر در خصوص موردی که در بند ۱ فوق آمده نیز صادق است. بنابراین، چنانچه پرداخت ثمن معامله به واحد پول تعیین شده در قرارداد بنا به دلیلی مانند مقررات ارزی حاکم بر کشور خریدار برای متعهد غیرممکن باشد، حتی در صورت توافق قراردادی هم فروشنده می‌تواند از خریدار درخواست نماید که پرداخت به واحد پول محل پرداخت انجام شود. برای نمونه در مثالی که بیان شد، اگر پرداخت دلار برای خریدار ایرانی غیرممکن باشد، فروشنده سوئیسی می‌تواند تقاضا کند که ثمن معامله به فرانک سوئیس پرداخت شود.

بنابراین با توجه به اوصاف فوق، در صورتی که ثمن معامله، با وجود اینکه در قرارداد به واحد پولی متفاوت با واحد پول محل پرداخت تعیین شده است، به میل متعهد بر اساس بند ۱ ماده ۹-۱-۶ و یا به تقاضای ذینفع بر اساس بند ۲ ماده ۹-۱-۶ به واحد پول محل پرداخت می‌تواند تأدیه شود و نرخ تبدیل ارز و مبادله آن، به شرط آنکه در موعد پرداخت ثمن تأدیه شود، همان نرخ رایج در موعد پرداخت است، ولی در صورتی که ثمن معامله با تأخیر پرداخت گردد و نرخ تبدیل آن در موعد پرداخت و زمان پرداخت واقعی متفاوت باشد، ذینفع می‌تواند هر یک از دو نرخ را که برایش سودمندتر است، انتخاب نماید. همچنین بند ۳ و ۴ ماده ۹-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارند: «۳- پرداخت پول به واحد پول محل پرداخت باید مطابق با نرخ رایج تبدیل ارز در موعد پرداخت انجام شود. ۴- اما اگر متعهد در زمانی که موعد پرداخت فرا رسیده است مبلغ تعهد را نپردازد، ذینفع تعهد می‌تواند پرداخت طبق نرخ رایج تبدیل ارز در موعد پرداخت یا زمان پرداخت واقعی را درخواست کند». بدین ترتیب، اگر موعد پرداخت اول جولای ۲۰۰۴ باشد، ولی خریدار ایرانی ثمن را به فرانک سوئیس در اول دسامبر ۲۰۰۴ پرداخت نماید، بر فرض آنکه نرخ تسعیر (تبدیل ارز)، در اول جولای ۲۰۰۴، یک دلار آمریکا معادل ۱/۵ فرانک سوئیس بوده و در اول دسامبر ۲۰۰۴، یک دلار آمریکا معادل ۱/۶ فرانک سوئیس باشد، فروشنده سوئیسی می‌تواند نرخ دومی را مطالبه کند و اگر برعکس نرخ تبدیل ارز کاهش یافته باشد، می‌تواند نرخ اولی را مطالبه نماید. قوانین ایران در خصوص امکان پرداخت به ریال به جای نوع پول تعیین شده در شرایطی که محل پرداخت ایران باشد سکوت کرده‌اند، اما با توجه به ماده ۲۷۵ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: «متعهدله را نمی‌توان مجبور کرد که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است، قبول نماید؛ اگرچه آن شیء از لحاظ قیمت معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد»، لذا اگر پول را مال محسوب کنیم و انواع پول‌های رایج را نیز جنس‌های مختلف بدانیم، با توجه به مفاد ماده ۲۷۵ به جز با توافق طرفین نمی‌توان ذینفع را ملزم کرد که به جای پول تعیین شده، ریال ایران را قبول نماید. (امینی، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴) شایان ذکر است که علاوه بر اهمیت قانون مورد توافق طرفین، رعایت قوانین آمره و نظم عمومی مربوط نیز در قواعد و قوانین داخلی و بین‌المللی پیش‌بینی شده است، به گونه‌ای که می‌توانند موجبات ابطال رأی و معضلاتی در خصوص پرداخت صورت‌گرفته را فراهم آورند. به

رسیدگی می‌کند و چنانچه توافقی در این مورد نباشد، بر مبنای قانون کشور متعاقد طرف دعوی (شامل مقررات مربوط به تعارض قوانین آن کشور) و نیز آن دسته از مقررات حقوق بین‌الملل که قابل اجرا باشد، تصمیم خواهد گرفت. همچنین در بند ۲ ماده ۴۲ هم تأکید شده که «دیوان نمی‌تواند اعلام کند که به علت اجمال یا سکوت یا ابهام قانون نتوانسته است حکم مسئله را پیدا کند» و بند ۳ به مانند دو قانون قبلی اتخاذ تصمیم از سوی داوران بر اساس عدالت و انصاف را به شرط تراضی قبلی طرفین به رسمیت شناخته است. همچنین مستفاد از بند الف - ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، در غیاب هرگونه نشانه‌ای بر توافق طرفین در مورد قانون حاکم، حسب قانون کشوری که حکم داوری در آنجا صادر گردیده اقدام می‌شود.

در سایر قوانین و مقررات ایران در خصوص عدم تعیین واحد پولی قرارداد حکمی پیش‌بینی نشده است و علت آن هم این است که در حقوق داخلی معمولاً پرداخت به پول رایج کشور انجام می‌شود. بنابراین، اگر تصریح به نوع پول نشده باشد، در صورتی که محل انعقاد قرارداد ایران باشد، باید ریال ایران را ملاک بدانیم؛ چرا که در غیر این صورت با توجه به تعریف ماده ۳۳۸ قانون مدنی^۲، عقد بیع به دلیل مجهول بودن ثمن معامله باطل است. بدیهی است در صورتی که اراده طرفین قراردادی که در ایران منعقد شده تعیین نوع پولی غیر از ریال ایران باشد، این امر به صراحت در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و در صورتی که محل انعقاد قرارداد غیر از ایران باشد، با در نظر گرفتن اینکه عدم ذکر موجب غرری بودن معامله و در نتیجه بطلان بیع نباشد، لازم است با توجه به مواردی همچون محل انعقاد، محل اجرای تعهد و محل پرداخت پول نسبت به احراز اراده طرفین اقدام شود. همچنین ماده ۱۰-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز مقرر کرده: «هنگامی که تعهد پولی به پول مشخصی تعیین نشده باشد، پرداخت باید به پول محل پرداخت صورت پذیرد» و در ادامه در خصوص شرایط قاعده پول محل پرداخت پیش‌بینی شده که بر اساس آن در مواردی که نوع پول در قرارداد مشخص نشده باشد، باید ثمن به واحد پول محل پرداخت تأدیه شود و در صورتی که محل پرداخت در قرارداد تعیین نشده باشد، با توجه به قاعده کلی پرداخت ثمن در محل تجارت ذینفع اقدام می‌شود

عنوان مثال در ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، قوانین آمره و نظم عمومی ایران و در قانون نمونه آنسیترال، کشور دادگاه رسیدگی‌کننده به اعتراض که بنا به تعبیری می‌تواند محل صدور و یا اجرای رأی داوری حسب مورد باشد، مد نظر قرار گرفته است. همچنین بند ب از بخش ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک مقرر داشته که چنانچه شناسایی و اجرای احکام داوری مغایر با نظم عمومی کشور دادگاه صالح رسیدگی‌کننده به آن باشد، می‌تواند شناسایی و اجرا را رد کند و به موجب ماده ۶ آن، «چنانچه از دادگاه مذکور تقاضای ابطال یا تعلیق حکم داوری شده باشد، مرجعی که تقاضای شناسایی و اجرای حکم نزد او مطرح است، می‌تواند چنانچه مقتضی تشخیص دهد دستور اجرای حکم داوری را به تعویق اندازد و همچنین می‌تواند بنا به تقاضای طرفی که درخواست شناسایی و اجرای حکم را کرده است، طرف دیگر را مکلف سازد که تضمین مناسبی تودیع نماید».

قانون حاکم بر شرایط عدم تعیین ارز قرارداد

در بند ۱ و ۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی سوئیس آمده است: «در صورتی که مبلغ مورد اختلاف تقویم نشده باشد، خواهان باید هزینه ثبت غیر قابل استرداد معادل ۶۰۰۰ فرانک سوئیس^۱ پرداخت نماید»، لیکن در قانون اخیر و سایر قوانین مربوط به داوری تجاری بین‌المللی از جمله قانون نمونه آنسیترال و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به صراحت اشاره به تکلیف خاصی در شرایط عدم تعیین ارز داوری نشده است؛ با این وجود نظر به اختیارات داور در مواردی مثل محل و زبان داوری و نیز تعیین قانون حاکم بر رسیدگی شکلی و ماهوی در شرایط عدم تعیین آن از سوی طرفین در مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و مواد ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۲۸ قانون نمونه آنسیترال می‌توان قائل به تعیین ارز قراردادی از سوی داور یا هیأت داوران در صورت عدم ذکر صریح و یا ضمنی که شامل عرف و عادت نیز می‌شود، از نقطه نظر قوانین مذکور شد. بند ۱ ماده ۴۲ و ماده ۴۴ کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر معروف به کنوانسیون واشنگتن مصوب ۱۹۶۶ نیز مقرر کرده که دیوان داوری، دعوا را بر طبق مقررات قانونی مورد تراضی طرفین که در زمان تراضی قابل اجرا باشد،

۲. ماده ۳۳۸ قانون مدنی مقرر داشته: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم».

1. CHF

تأکید ماده ۸ کنوانسیون بر فهم متعارف متعاهدین و قصد آنها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. (Mistelis, 2005-2006: 286)

اصول خسارت در داوری سرمایه‌گذاری و نوسانات نرخ خسارت ارزی

به طور کلی خسارت در داوری سرمایه‌گذاری به معنای جبران کلیه زیان‌های وارده به یک طرف قرارداد است که هدف آن از بین بردن تمام عواقب عمل غیرقانونی است. حقوق بین‌الملل در دستیابی به غرامت کامل، بین خسارات تمایز قائل بوده، لیکن در معاهدات سرمایه‌گذاری استانداردها معمولاً بدون هستند و این در حالی است که احکام خسارت بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، توسط دادگاه‌های بین‌المللی تعریف می‌شوند. شایان توجه است که پیشرفت‌های اخیر محاسبه خسارت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (Trenor, 2018: 96) به عنوان مثال در شرایطی که خسارت بر اساس واحد پولی خارجی محاسبه می‌شود، تعیین تاریخ حاکم بر نرخ مبادله در زمان کاهش ارزش پول و نیز بروز نوسانات ارزی، حائز اهمیت می‌شود. در این میان، در حالی که نظر اکثریت حاکی از آن است که در موارد قراردادی و یا ناشی از جرم، نرخ مبادله‌ای که در مورد آن تصمیم گرفته می‌شود، باید همان نرخ زمان از دست دادن به موجب نقض یا اشتباه باشد، لیکن در خصوص بیشتر موارد قابل کنترل، به تاریخ تخلف از تکلیف به عنوان تاریخ مناسب اشاره شده است. چالش دیگر در مورد خساراتی که بر اساس ارز خارجی ارزیابی می‌شوند، محلی است که خسارت تحقق می‌یابد. (<https://media.crai.com>,) (1921: 198-199) بنابراین، در راستای تفاسیر مورد اشاره، ذیلاً به بررسی پرونده داوری بین‌المللی در سوئیس در ارتباط با خسارت ارزی می‌پردازیم.

قانون داوری سوئیس^۱ نیز با عنایت به فصل ۱۲ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی این کشور^۲ معتقد به اصل عدم اعطای چیزی خارج از ادعا^۳ در رسیدگی‌های داوری بین‌المللی بوده و پیروی دادگاه‌های داوری از این اصل را نیز لازم دانسته است. همچنین نادیده گرفته شدن این اصل در رأی داوری باعث بی اعتباری آن به موجب بند ج تبصره ۲ ماده ۱۹۰ این

و واحد پول نیز واحد پول کشوری است که اقامتگاه و مرکز تجاری ذینفع در آن واقع است. همچنین در شرایط عدم تعیین ارز پرداختی از سوی طرفین قرارداد بین‌المللی، ممکن است دولت‌های متبوع آنها ارز خاصی را برای اقدامات تجاری اتباع خود تجویز کرده باشند که در این صورت ارز پرداختی می‌تواند از این طریق تعیین شود. این قاعده در بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی پیش‌بینی شده است، اما در شرایطی که از این راه ارز پرداختی قابل تعیین نباشد، با توسل به ماده ۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، باید نوع پول و ارز پرداختی تعیین شود. (امینی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۵) گفتنی است ماده ۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا هم مقرر می‌دارد: «۱- طرفین ملزم به رعایت هرگونه عرف و عادت مورد توافق و همچنین تمامی رویه‌هایی که بین خود ایجاد و مورد تأیید قرار داده‌اند، هستند. ۲- اصل بر این است که طرفین، عرفی را که بدان وقوف داشته یا باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌المللی به نحو گسترده‌ای برای طرفین قراردادهای مشابه در تجارت خاص مربوط شناخته شده و به طور منظم مراعات گردیده را به نحو ضمنی بر قرارداد فی مابین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند؛ مگر اینکه برخلاف آن توافق شده باشد.» برای نمونه ممکن است پرداخت ثمن برخی کالاها به دلار ایالات متحده آمریکا عرفاً معمول باشد یا اینکه به طور معمول در تجارت بین دو یا چند کشور، ثمن به یک ارز مشخص پرداخت شود. چنانچه از به کارگیری همه این اقدامات نتیجه‌ای حاصل نشود، باید به قانون حاکم به موجب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، با مراعات مقررات ارزی کشورهای مربوطه توسل جست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۹: ۲۵۵) ماده ۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز با پذیرش اصل حاکمیت اراده طرفین عقد در انعقاد قرارداد و تعیین شرایط آن، توجه به قصد مشترک را در تفسیر الزامی دانسته و بیان داشته: «۱- از نظر این کنوانسیون اظهارات و اعمال یک طرف قرارداد باید مطابق قصد وی تفسیر شود؛ وقتی که طرف دیگر از قصد وی آگاه بوده یا نمی‌توانسته است نا آگاه باشد. ۲- اگر مقررات پاراگراف فوق قابل اعمال نباشد، اظهارات و سایر اعمال هر یک از طرفین مطابق با استنباط اشخاص متعارف همان صنف در اوضاع و احوال مشابه تفسیر خواهد شد. ۳- در تشخیص قصد هر یک از متعاملین یا استنباطی که یک شخص متعارف از آن خواهد داشت، باید به اوضاع و احوال مرتبط با موضوع، شامل مذاکرات، رویه مقرر بین طرفین، عرف و عادت و سایر اقدامات بعدی طرفین عقد توجه داشت.» (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۶) در اینجا

1. Swiss Lex Arbitri
2. PILA
3. Ne Extra Petita

قانون خواهد بود. موارد احصاشدهٔ دیگر در این بند که موجب لغو رأی داوری می‌شود شامل: صدور رأی داوری بیش از ادعای طرف دعوی^۱ و نیز عدم تصمیم‌گیری در مورد یک یا چند ادعا^۲ است. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا دیوان داوری طبق قانون سوئیس می‌تواند رأی به پرداخت بر اساس ارز دیگری که مغایر با ادعای پرداخت است، صادر کند. (Roth, 2021)

سابقه این جریان در تصمیم دادگاه عالی فدرال بین‌المللی مربوط به رسیدگی داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت مقررات آی سی سی^۳ بود. اختلاف مربوط به سرمایه‌گذاری چند سرمایه‌گذار ترکیه‌ای در کارخانه‌های سیمان در سوریه در دوران جنگ در آوریل ۲۰۱۲ بود که دولت سوریه کنترل خود بر مناطقی که کارخانه‌ها قرار داشتند را از دست داد. در نتیجه سرمایه‌گذاران مجبور به ترک کارخانه‌های خود شدند و به منظور اخذ غرامت بابت ارزش سرمایه‌گذاری خود در کارخانه‌ها، اقدام به طرح دعوی داوری علیه سوریه کردند و خواهان دریافت خسارت خود به دلار آمریکا شدند. در رأی صادره توسط دیوان داوری در ۳ آگوست ۲۰۲۰ حکم به جبران خسارت مورد ادعای سرمایه‌گذاران بر اساس پوند سوریه صادر شد، ولی به آنها اجازه داده شد که درخواست پرداخت به دلار آمریکا با نرخ رسمی ارز بانک مرکزی سوریه در روز پرداخت را مطرح کنند. با این حال به دلیل افت قابل توجه ارزش پول سوریه در سال ۲۰۲۰ نسبت به ۲۰۱۲، ارزش دلاری مبلغ مورد رأی نیز در سال ۲۰۲۰ دچار کاهش چشمگیری در مقایسه با ارزش دلاری میزان خسارات متحمل‌شده توسط سرمایه‌گذاران در سال ۲۰۱۲ بود. در نتیجه سرمایه‌گذاران به دادگاه عالی فدرال اعتراض کردند؛ با این استدلال که رأی صادره خلاف اصل عدم اعطای چیزی خارج از ادعا می‌باشد؛ چرا که دادگاه داوری برای جبران خسارت به جای دلار آمریکا، پوند سوریه را تعیین کرده است.

دادگاه عالی فدرال ضمن در نظر داشتن این امر که رأی به پرداخت غرامت بر اساس پوند سوریه از لحاظ فنی مغایر با ادعای سرمایه‌گذاران بوده است، لیکن از ابطال رأی نیز به جهت فقدان منافع قانونی برای سرمایه‌گذاران اجتناب نمود (وفق بند ب تبصره ۱ ماده ۷۶ قانون دیوان عالی فدرال

سوئیس). همچنین دادگاه فدرال ادعان داشت که مشخص نیست بی اعتبار نمودن رأی و ارجاع آن به دیوان داوری برای تصمیم‌گیری مجدد، می‌تواند برای سرمایه‌گذاران مطلوب‌تر باشد یا خیر. از طرف دیگر، دادگاه فرض کرد که دیوان داوری در چنین پرونده‌ای ادعای سرمایه‌گذاران را به دلار رد خواهد کرد و اگرچه سرمایه‌گذاران می‌توانستند رسیدگی‌های جدیدی را مبنی بر ادعای غرامت به ارزی غیر از دلار آغاز کنند، دادگاه در نظر گرفت که هیچ چیزی وجود ندارد که نشان دهد چنین راه‌حلی برای سرمایه‌گذاران مطلوب‌تر است.^۴ در نهایت، دادگاه عالی فدرال به‌رغم در نظر داشتن اینکه دیوان داوری به چیزی غیر از آنچه ادعا شده بود، رأی داده است، لیکن به این سؤال پاسخ نداد که آیا یک دیوان داوری می‌تواند ادعایی را به ارزی متفاوت از ارز مورد ادعای شاکی صادر کند. در عوض، دیوان اظهار داشت که اصل عدم اعطای چیزی خارج از ادعا و یا اصل عدم صدور رأی داوری بیش از ادعای طرف دعوی^۵ ممکن است در پروندهٔ مربوط به حقوق تجارت بین‌الملل با دقت کمتری نسبت به پرونده‌ای که توسط قانون سوئیس اداره می‌شود، اعمال شود.

علاوه بر این، دادگاه عالی فدرال به سادگی فرض کرد که اگر پرونده بدون ذکر جزئیات مبنای این فرضیه بازگردانده شود، دیوان داوری ادعای ارز دلاری سرمایه‌گذاران را رد خواهد کرد. همچنین نتیجه‌گیری دادگاه مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاران فاقد منافع قانونی در بی‌اعتباری رأی هستند نیز این واقعیت را نادیده می‌گیرد که اعطای مبلغی به ارزی غیر از ارز مورد ادعا، به دلیل کاهش ارزش آن ارز، زیان قابل توجهی را برای سرمایه‌گذاران به همراه داشته است. در هر صورت، این تصمیم مؤید آستانه بالایی برای بی اعتبار کردن موفقیت‌آمیز رأی در سوئیس است. سرمایه‌گذاران همچنین ادعا کردند که این رأی برخلاف سیاست‌های عمومی اساسی است؛ زیرا سرمایه‌گذاران تنها بخشی از ضرر سرمایه‌گذاری‌شان را دریافت کرده‌اند. این استدلال نیز توسط دادگاه عالی فدرال رد شد.

نکته حائز اهمیت این است که در دادرسی داوری تجاری، طرفین باید در نظر داشته باشند که در قرارداد خود ارزی را برای کلیه دعاوی ناشی از قرارداد یا در ارتباط با آن تعیین کنند. در غیاب چنین بندی، بر اساس قوانین ماهوی سوئیس، ارز مورد توافق قراردادی واحد پول مورد توجه برای ادعای

1. Ultra Petita
2. infra petita
3. ICC

4. Case no. 4A_516/2020, consid. 5.5
5. Ne ultra/extra petita

پرداخت را تعیین می‌کند و در مورد ادعای خسارت، ارزش صحیح معمولاً واحد پول ایالتی است که خسارت در آن وارد شده است.^۱ در نهایت، در رسیدگی‌های داوری سرمایه‌گذاری، معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه ممکن است ارزش خاصی را برای ادعاهای جبران خسارت تعیین کند؛ به عنوان مثال، واحد پول کشور محل اقامت سرمایه‌گذار یا واحد پول کشوری که سرمایه‌گذاری در آن انجام شده است. در مورد پرونده مورد بحث، معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه، واحد پولی را تعیین نکرده بود و دیوان عالی فدرال در نظر گرفت که هیچ قانون بین‌المللی ثابت شده‌ای برای تعیین ارزش برای جبران خسارت در داوری سرمایه‌گذاری وجود ندارد.^۲

بحث و نتیجه‌گیری

گرایش به تعیین انحصاری ارزش قرارداد و نیز تعیین قانون در روابط میان اشخاص در سطح بین‌الملل نیز به مانند روابط داخلی کشورها از جمله مواردی است که همواره مطلوب دولت‌ها جهت تسلط و کنترل بیشتر بر امور بوده است و به‌رغم آزادی‌های اعطاشده به موجب حاکمیت اراده در قراردادهای همواره محدودیت‌هایی نیز وجود داشته است. در این میان به‌رغم اینکه تعیین ارزش داخلی در زمره قوانین آمره و مرتبط با نظم عمومی کشورها نیست، لیکن در صورت اجبار قانونی، باید مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر، در شرایط عدم الزام قانونی مذکور هم گاهی مسائل داخلی و شرایط و روابط بین‌المللی ایجاب می‌کند که برای اجرای تعهد مالی و امکان پرداخت در قراردادهای تجاری بین‌المللی، ارزش خاصی معیار قرار گیرد. همچنین هر یک از طرفین حسب شرایط می‌تواند تقاضای ایفای تعهد مالی بر اساس واحد پولی محل را پرداخت کند. بنابراین، ارزش قراردادی نیز به مانند محل داوری تعیین شده از سوی طرفین در موافقتنامه داوری، با انعطاف لازم حسب اوضاع روبه‌رو است.

از سوی دیگر، صرف تعیین ارزش قرارداد در خصوص پرداخت‌ها ممکن است قابل تفسیر موسع به موارد مرتبط نبوده و مبین صدور رأی در دعوی جبران خسارت بر اساس همان ارزش نباشد. بنابراین، لازم است تمام جوانب حکومت ارزی خاص اعم از دعوی شامل جبران خسارت و موارد مرتبط، در قرارداد

۱. رجوع کنید به:

The decision of the Federal Supreme Court, dated 10 February 2017, Case no. 4A_341/2016, consid. 2.2
2. Case no. 4A_516/2020, consid. 4.3.2

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۳). *حقوق تجارت تطبیقی*. تهران: انتشارات مجد.
- الماسی، نجادعلی؛ شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی محدودیت‌های طرفین قرارداد در انتخاب قانون حاکم». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۵۶، صص ۳۵-۹.
- امیر معزی، احمد (۱۳۹۰). *داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.
- امینی، سید ابراهیم (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱، صص ۱۹-۲۳.
- انصاری، اعظم (۱۳۹۷). «تعیین ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، ۸۳، صص ۵۴-۲۷.
- بیگدلی، عطاءالله (۱۳۹۴). «حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رومی - ژرمنی و حقوق ایران؛ درآمدی مبنایی - فلسفی». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱ (پیاپی ۴۱)، صص ۱۵۰-۱۲۵.
- پروین، اکبری؛ فرهاد، رودپشتی (۱۳۹۲). «رویکردی تطبیقی بر حقوق حاکم بر قراردادها». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲، صص ۶۳-۳۹.
- جعفری لنگرودی؛ محمدجعفر (۱۳۶۹). *حقوق تعهدات*. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۹). *دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت*. جلد ۱. تهران: انتشارات مشعل.
- _____ (۱۳۶۸). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات گنج دانش.
- دمیرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۲). *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*. تهران: انتشارات ميثاق عدالت.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲). *حقوق مدنی، تشکیل قراردادها و تعهدات*. چاپ ۳. جلد ۱. تهران: انتشارات مجد.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰). *حقوق تجارت بین‌الملل*. چاپ

- سوم. تهران: نشر سمت.
- قوامی، سیدحسین (۱۳۹۴). «ضرورت و کارکردهای پیمان‌های دو یا چندجانبه ارزی در شرایط تهدید و تحریم اقتصادی». فصلنامه آفاق امنیت، ۲۹، صص ۱۵۶-۱۳۹.
- ماسکو، دیتیش (۱۳۷۴). تفسیر ماده ۵۴ کنوانسیون بیع بین‌الملل کالا، ۲۴۸، ۲۵۷ حقوق بیع بین‌المللی. ترجمه مهراب داراب‌پور. جلد ۲. تهران: انتشارات گنج دانش.
- مافی، همایون؛ تقی‌پور، محمدحسین (۱۳۹۶). «ماهیت حقوقی نهاد داوری». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۲۱، صص ۲۰۵-۱۷۷.
- مکین، رابرت مک دونالد (۱۳۸۰). حقوق اتحادیه اروپا. ترجمه مجید شکوهی. تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
- Damages in Foreign Currency (1921). *The Yale Law Journal*, Vol. 31, No. 2, pp. 198-201. (<https://media.crai.com/2020/09>), Accessed: 07/04/2022 5:30.
- Chitty, Joseph (1983). *Chitty on contracts, General Principles*, Sweet & Maxwell. Vol. 1.
- Goldberg, Linda S.; Tille, Cédric (2005). *Vehicle Currency Use in International Trade*. Federal Reserve Bank of New York, Staff Reports, 200.
- Kamps, Annette (2006). "The Euro as Invoicing Currency in International Trade". *Working Paper Series of European Central Bank*, 665.
- Larombière, Léobon (1862). *Théorie et pratique des obligations, ou commentaire des titres III & IV, livre III du Code Napoléon*, Art. 1101 à 1386, Bruxelles, Durand, T: 1.
- Mistelis, Loukas (2005-2006). "Article 55 CISG: The Unknown Factor". *Journal of Law and Commerce*, 25, pp.285-297.
- Onyema, Emilia (2010). *International Commercial Arbitration and the Arbitrator's Contract*. Routledge Research in International Commercial Law.
- Ripert, Georges, Boulanger, Jean (1957). *Traite de droit civil d'après le traite de Planiol*. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.
- Roth, Andrea (2021). "Can an Arbitral Tribunal Award a Claim in a Different Currency Than Requested? – The Case of Switzerland". *Kluwer Arbitration Blog*, (<http://arbitrationblog.kluwerarbitration.com/2021/10/12/can-an-arbitral-tribunal-award-a-claim-in-a-different-currency-than-requested-the-case-of-switzerland/>) Accessed: 07/04/2022 5:15.
- Sheppar, Audley (2003). "Court of Appeal Gives Guidance on Currency of Awards and Interest". (<https://www.internationallawoffice.com/Newsletters/Arbitration-ADR/United-Kingdom/Clifford-Chance-LLP>), last visited 5 September 2020.
- Smit, Hans (1996). "Judgments and Arbitral Awards in A Foreign Currency: A Means Of Dealing With Currency Fluctuations in International Adjudication". *The American Review of International Arbitration* (Aria), 1.
- Trenor, John A. (2018). "The Guide to Damages in International Arbitration". *Law Business Research Ltd. Third Edition* (<https://www.debevoise.com>) Accessed: 07/04/2022 5:20.
- Turner, Chris (2014). *Unlocking Contract Law*, Routledge.

COPYRIGHTS



©2021- 2022 by the Authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)